مطالعات تاریخ اسلام
سال سیزدهم/ شمارهٔ ۵۰/ پاییز ۱۴۰۰، مقاله علمی- پژوهشی، صفحات ۱۹۳-۲۱۴

:20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3

نظام مقاطعه و پیامدهای مالی آن در دولت عثمانی (قرون یازده تا سیزده قمری)

علی میرمحمدلو[۱]
نصرالله پورمحمدی املشی[۲]
محمدتقی امامی خویی[۳]

چکیده: مقاطعه اساس نظام مالی دولت عثمانی در سده‌های یازده تا سیزده قمری بود که پس از فروکش کردن فتوحات و فروپاشی سیستم تیمار، جایگزین آن شد و تغییراتی در نظام مالی عثمانی به وجود آورد. در این دوره مهم‌ترین منبع درآمد دولت از طریق مقاطعه‌کاری بود. دولتمردان نیز برای غلبه بر مشکلات مالی، در نظام مالیاتی، مقاطعه‌کاری را در قلمرو حکومتی گسترش دادند و تغییر و تحولات لازم را در آن به وجود آوردند. از جمله افراد مؤثر در این سیستم، متنفّذانی چون بیگلربیگی‌ها، افراد سپاهی و حتی ثروتمندان غیرمسلمان بودند. نظام مقاطعه به سبب برخی تحولات در شیوهٔ مقاطعه‌کاری ولایات، أخذ بی‌رویهٔ مالیات‌ها، صدور برات و جمع‌آوری نامناسب مالیات، عملکرد خودسرانهٔ متصدیان و ستم دست‌اندرکاران به رعایا، موجب نارضایتی اجتماعی به‌خصوص در میان کشاورزان شد که نقش مهمی در افول امپراتوری عثمانی داشت. نگارندگان این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی- تحلیلی و با نگاه انتقادی درصدد بررسی تحولات نظام مقاطعه، کارکردهای آن و وظایف مقاطعه‌داران در برابر حکومت مرکزی عثمانی و دلایل فروپاشی نظام مقاطعه در امپراتوری عثمانی بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: دولت عثمانی، نظام مقاطعه، مالیات، اقطاع، تیمار

۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران anfe271@yahoo.com
۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) (نویسندهٔ مسئول) poor_amlashi@yahoo.com
۳ دانشیار تاریخ ایران دورهٔ اسلامی، واحد شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Dr_mtemami@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 13, No 50, Autumn 2021
Reserch Center For Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 193-214

Mukata'a System and its Financial Consequences in the Ottoman Government (11th-13th centuries AH /17th-19th centuries AD)

Ali Mirmohammadloo[1]
Nasrollah Pourmohammadi Amlashi[2]
Mohammad Taghi Emami Khoei[3]

Abstract: Mukata'a (contracting) was the basis of the financial organization of Ottoman government in the last centuries. When the number of victories decreased and Timar system collapsed, it was replaced by Mukata'a which led to certain changes in the financial system of the Ottoman government. Mukata'a was the most important source of income of the treasury. In order to overcome financial and tax collection problems, the government spread out the practice of Mukata'a all over its lands and made the required changes. Among the most influential people practicing Mukata'a were the Sipahis (army members), Biglerbegi, and non-muslim wealthy fellows (i.e. the opulent rich). Due to some changes in the methods of Mukata'a systems in some provinces, excessive tax collection, imposing Barat and improper collection, the authorities' contumacious actions, and oppressing the subjects caused a great social dissatisfaction specially among the farmers, which consequently played an important role in the decline of Ottoman Empire. The present research aims to study the transformations of Mukata'a systems, its functions and the role of contractors in the central Ottoman government, and the factors that caused the decline of practicing Mukata'a throughout the Ottoman Empire using a descriptive-analytic method and critical approach.

Keywords: Ottoman government, Mukata'a system, tax, Iqta', Timar.

1 PhD Student in History and Civilization of Islamic Nations, Department of Theology and Islamic Studies, Takestan Branch, Islamic Azad University, Takestan, Iran. anfe127@yahoo.com

2 Associate Professor, Department of History, Imam Khomeini International University (Corresponding Author) poor_amlashi@yahoo.com

3 Associate Professor of Islamic History of Iran, Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Dr_mtemami@yahoo.com

Received: 2021/04/21 Accepted: 2021/09/9

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

مقدمه

قلمرو امپراتوری عثمانی سرزمین‌های وسیعی از سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را در برمی‌گرفت که حدود پنج قرن بر این منطقهٔ استراتژیک حاکمیت داشت. بیشتر تحقیقات به جلوه‌های نظامی این امپراتوری و کنش‌های نظامی و سیاسی حکام و فرماندهان آن معطوف است. بدون تردید، تعدد نیروی نظامی و ادارهٔ قلمرو جغرافیایی گسترده در بازهٔ زمانی نام‌برده، نیازمند نظام اقتصادی منسجم و توانمندی است که در پرتو آن نیازهای مالی حکومت برطرف شود و شرایط اقتصادی نسبتاً مطلوب برای مردم فراهم گردد، اما این موضوع مهم کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. عثمانیان با حفظ عرف و عادات گذشته، در زندگی اجتماعی صاحب یک نظام مالی خاصی برای ادارهٔ امور حکومت خود بودند که مرتب به سوی اصلاحات و تکامل پیش می‌رفت. با توجه به زمان و مکان، از این اصلاحات مالی کاربردهای متفاوتی سرچشمه گرفته است. در اصل تاریخچهٔ این نظام مالی به دورهٔ عباسیان برمی‌گردد، اما مقاطعه‌کاری در اواخر عهد سلجوقیان و به‌ویژه در دورهٔ ایلخانان بسیار گسترده شد و به معنای «دادن التزام در مقابل مقدار مشخصی از مالیات» بود. بدین ترتیب، در میان سلجوقیان آسیای صغیر نیز متداول و به مرور زمان به دولت عثمانی منتقل شد. منابع معتبر تاریخی کاربرد این نظام مالی را به دورهٔ سلطان اورخان عثمانی (حک: ۷۲۶–۷۶۱ق) مربوط دانسته‌اند (عاشق پاشازاده، ۱۳۳۲: ۲۰). به گفتهٔ پاکالین، پس از تصرف آسیای صغیر توسط ترکان، درآمد اراضی به عنوان تیمار به امیران و لشکریان واگذار می‌شد. زمانی که عثمانیان مستقر شدند، شیوه‌های زمین‌داری را تغییر دادند و تیمارها را به برات و طغرای جدید واگذار کردند (Pakalın, 1971: 238). پس از فتح اراضی و تبدیل آن به تیمار و زعیم، سرزمین‌های متصرفی بلافاصله به نسبت بین وزرا و امرای خاص همایون تعیین و تقسیم می‌شد. عایدات عثمانی غالباً از جزیهٔ شرعی و مالیات از امرای غیرمسلمان، نظیر عایدات گمرک و غنایم خمس بود؛ که خمس مهم‌ترین آنها به شمار می‌رفت. با این حال، دولت در کنترل و جمع‌آوری مالیات‌ها با موانع و مشکلات متعددی مواجه بود (امامی خویی، ۱۳۹۵: ۱۸۷) و همواره برای جلوگیری از فرار مالیاتی و دستیابی به نظام صحیح مالی تلاش می‌کرد (اوزون چارشیلی،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

۱۳۷۷: ۱۲۵/۵؛ Tabakoğlu, 1985: 42). به همین منظور در دوره‌های مختلف اقدامات گوناگونی در تشکیلات مالی[۱] انجام داد. نظام مقاطعه[۲] یکی از اشکال جمع‌آوری مالیات دولت عثمانی بود و به عنوان منبع درآمد دولت به شمار می‌رفت. حکومت تلاش می‌کرد از طریق این سیستم منابع نقدی را روانهٔ خزانه و از فرار مالیاتی جلوگیری کند تا درآمد حاصل از آن به‌طور مستقیم به دیوان همایون[۳] منتقل شود (Barkan, 1943: 314). ایجاد مقاطعه‌های جدید سبب شد مالیات بر برخی از مناطق که مدت‌ها غیرمالیاتی محسوب می‌شد، وارد چرخه و تحولات اقتصادی شود و زمینه‌های رونق مالی جدید را فراهم کند. در این شیوه، دولت عثمانی برای برآورد مالیات یک منطقه، با مالکان و متصرفان زمین معاهده‌ای می‌بست که براساس آن، هر سال مبلغ معینی بدون توجه به افزایش یا کاهش درآمد املاک، به دولت پرداخت می‌شد. برای بررسی پدیدهٔ مقاطعه و انواع آن در دولت عثمانی، توجه به این نکته ضروری است که بخش بزرگی از قلمرو عثمانیان متشکل از اقطاعات جنگی بود و غالباً به سرداران فاتح واگذار می‌شد (صولاق‌زاده، ۱۲۹۷: ۴۶۴) و بیشترین فتوحات و متصرفات نیز در سرزمین‌های اروپایی و عربی قرار داشت که به عنوان تیمار از آنها یاد می‌شد. به‌تدریج سیستم تیمار از نظر نظامی و مالی ارزش خود را از دست داد. در نتیجه، دولت عثمانی در جمع‌آوری سهم اراضی کشاورزی با نقصان مواجه شد. در اواخر قرن دهم هجری قمری حکومت به‌تدریج سیستم تیمار را ترک و وارد نظام مقاطعه شد و جمع‌آوری مالیات‌های اراضی را برای مدت مشخص به نام مقاطعه از راه مزایده به فروش می‌رساند. سرانجام نظام مقاطعه جایگزین تیمار شد (Pamuk, 2003: 95). بیشتر تحقیقات درباره امپراتوری عثمانی، به گسترش ارضی و نهادهای نظامی و سیاسی یا اقدامات مذهبی معطوف بوده است. نویسندگان این پژوهش کوشیده‌اند تا نشان دهند که بنیاد تحرکات نظامی و اقدامات سیاسی و

---

۱ امورات مالی را دفترداران انجام می‌دادند. به دفتردار مرکزی «دفتردار داخلی» (Kapı Defterdar) و به دفتردار ایالت‌ها «دفتردار بیرونی» (Kenar Defterdarı) می‌گفتند (Onar, 1962: 649).

2 MUKĀTAA

۳ divan- hümâyûn: مهم‌ترین دیوان در کشور عثمانی بود و به ریاست سلطان یا وزیراعظم تشکیل جلسه می‌داد (Ortayli, 1979: 132).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

مذهبی حکومت عثمانی بر مبنای برخورداری از نظام مالی استوار بوده و همراه با گسترش قلمرو و نیازهای جامعه تغییرات یا اصلاحات در نظام مالی در دستور کارگزاران حکومت عثمانی بوده است. البته زمانی که نهاد مالی نتوانست خود را همراه با تحولات و مطالبات در تاریخ معاصر هماهنگ کند، زمینهٔ سقوط عثمانی فراهم شد.

پیشینهٔ پژوهش

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تحقیقات گسترده‌ای دربارهٔ مسائل اقتصادی و تجاری و بازرگانی در دولت عثمانی انجام گرفته است، اما مطالعهٔ مجزا و منسجمی به‌ویژه دربارهٔ نظام مقاطعه در ساختار تشکیلات و تحولات مالی امپراتوری عثمانی انجام نشده است. در بررسی‌های منابع متقدم و متأخر نیز تألیفات و تحریراتی در قالب کتاب به زبان ترکی عثمانی و استانبولی و انگلیسی و تعدادی هرچند اندک به فارسی ترجمه شده و در دسترس است، اما آثار و اسناد فراوان و معتبر قابل اعتنایی در زمینهٔ تشکیلات مالی و دیوانی عثمانی وجود دارد که در پژوهش حاضر بهرهٔ لازم از آنها گرفته شده است. مطالعات اندکی در قالب نظام تیمار (که تا اوایل سدهٔ یازدهم قمری تداوم داشته) و اقطاع که به‌طور عام مربوط به جهان اسلام می‌باشد، انحام شده است. از میان منابع متأخر می‌توان به آثار ترجمه شده همچون کتاب دو جلدی *دولت و جامعه در دولت عثمانی* اثر احسان اغلو و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶ش) اشاره کرد که در جلد نخست مطالب مختصری دربارهٔ مقاطعه در قالب ساختار اقتصادی دولت عثمانی بیان شده است. استانفورد جی‌شاو نیز در کتاب *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید* (۱۳۷۰ش) در بخش «دستگاه اداری عثمانی» به فرایند اداری مالی و مقاطعات اشاره کرده است. علاوه بر این، نویسندگانی چون «Ahmet Tabakoğlu» (۱۹۸۵م)، «Halil Sahillioğlu» (۱۹۶۳م) و «Tosuner Mehmet» (۱۹۸۹م) نیز به نظام مقاطعه در مباحث مربوط به نظام مالیات دولت عثمانی پرداخته‌اند. البته در هیچ‌یک از آثار نام‌برده، به مقاطعه از منظر تأثیر آن در فراز و فرود حکومت عثمانی و اهمیت آن در سقوط این امپراتوری توجه و تأکید لازم نشده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

نظام مقاطعه

مقاطعه به معنای «مقطوع بودن» است. شخصی که اقطاع مـی‌گیـرد، «مُقطّـع» نامیـده می‌شود. مقطّع و مقاطعه که ریشه در کلمه اقطاع دارد، گویا از قـرآن مجیـد (سـورهٔ رعد، آیه ۱۳) گرفته شده است. این کلمه یک معنی کلی دارد و می‌توانـد بـه عنـوان توافق متقابل در مورد مقدار مشخص تعریف شود. انـواع مختلفـی از کـاربرد وجـود دارند که با توجه به زمان و مکان تغییر مـی‌کننـد؛ یعنـی مالیـات منطقـه‌ای اعـم از زمین، آب، معدن، یا منافع حاصل از آن، به مبلغ معینی به‌طور محدود در زمان معین یا نامحدود به فردی واگذار می‌شود. در آغاز، عثمانی‌هـا واژهٔ «التـزام» را بـه مفهـوم «مقاطعه» برای برخی مالیات‌های متعلق به دولت بـه کـار مـی‌بردنـد. در ایـن دوره، مقاطعه مفهوم «مبلغ توافق در قرارداد» را شامل می‌شد که مقدار مشخصی از مالیـات و عوارض متعلق به دولت از واحد کشاورزی را در برمـی‌گرفـت. طبـق متـون مـالی عثمانی، به نظر می‌رسد با ایجاد تغییر و تحول در مقاطعه، از اواسـط قـرن یـازده تـا اواسط قرن سیزده قمری در نظام مالی دولت عثمانی اعتبـار داشـت (Gençe, 2006: 129). در نظام مالی عثمانی نهادهایی بودند که درآمد سـالیانه معینـی داشـتند؛ ماننـد معادن زغال و فلزات، اداره گمرک، معدن نمک، شیلات و ضرابخانه کـه محتـوای مالی برخی از مالیات‌های متعلق به خزانه را تشکیل می‌دادند و بـه عنـوان حقـوق و مستمری به درباریان، سپاهیان و مأموران دولتی پرداخت می‌شدند؛ یا سـهمی از حـق بیت‌المال از اراضی میریه با شرایط خاص به سـپاهیان و اشـخاص متنفـذ و مقامـات مذهبی، مانند قضات، امامان، سراسقف‌ها و اسقف‌ها و حتی برخی زنان متنفـذ اعطـا می‌شد (طاشکوپری‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۸/۱). مقاطعه‌کاری به مفهوم «مقطـوع»[1] نیـز بـه کار رفته است؛ یعنی مبلغی که حاکم یا امیر محلـی بـه صـورت مقطـوع بـه عنـوان مالیات به سلطان می‌پرداخت. حال آنکه مقاطعه در اصطلاح دیوانی، دستیابی دولـت به تمامی درآمدهای اراضی و غیر آن، از قبیـل معـادن و کارگـاه‌هـای پارچـه‌بـافی، تنباکو، قنادی و غیـره اشـاره دارد کـه پـیش از آن وجـود نداشـت و یـا در اختیـار تیمارداران بود. تمامی این درآمدها بدون دخالت یا سهم‌خواهی مقطّعان وارد خزانـهٔ

1 maktu

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

دولت می‌شد. در نتیجه، مقبولیت نظام مقاطعه نیز نزد سلطان عثمانی بیشتر می‌شد و زمینه برای سقوط سیستم تیمار شتاب بیشتری می‌گرفت (Genç, 1985: 139).

روش‌های ادارهٔ مقاطعات

۱. توسط مأمور دولت: از جمله روش‌های اداره مقاطعه سپردن آن به مأموران حکومتی بود که به آنها «امین» می‌گفتند. این روش زمانی انجام می‌شد که کسی مقاطعه را التزام نمی‌کرد؛ به همین دلیل برای تعیین درآمد به صورت امانت به مأموران حکومتی واگذار می‌شد. مقطّعان در این شیوه، استانداران و فرمانداران بودند. آنها مالیات قلمرو خود را به عنوان مقاطعه‌دار پرداخت می‌کردند و آنچه می‌خواستند از مردم می‌گرفتند. این امر خلاف شریعت اسلام بود؛ زیرا استاندار یا فرماندار وکیل و امین خلیفه بود و آنچه دریافت می‌کرد، باید بی‌کم و کاست می‌پرداخت (زیدان، ۱۳۸۲: ۱۸۱/۱). در این روش اداری، پس از کسر هزینهٔ کارمندان و خدمتگزاران، سایر حقوق معاش، کرایه، سوخت‌بها و مرمت و باقیماندهٔ عواید به مرکز ارسال می‌شد و یا به محلی که مرکز دستور می‌داد، منتقل می‌شد.

۲. مقاطعهٔ امانت: صاحب مقاطعه به عنوان امین انجام وظیفه می‌کرد و اجرتی را که بابت امانت می‌گرفت، جزو بدل مقاطعه حساب می‌کرد. این طرز ادارهٔ مقاطعه را «امانت بر وجه التزام» و به شخص پذیرندهٔ التزام «ملتزم» می‌گفتند. در این روش امین‌ها در صورت ملتزم بودن، مسئولیت‌های سایر ملتزمان را نیز برعهده می‌گرفتند. در این شیوه حق بهره‌برداری به مدت سه سال به مزایده گذاشته می‌شد. در سیستم التزام، امرای صاحب سرمایه در مقابل کمک نقدی به حکومت، امتیاز جمع‌آوری مالیات مناطق را دریافت می‌کردند که متداول‌ترین روش جمع‌آوری مالیات در قرن یازدهم هجری قمری بود و با مختصر تغییراتی ادامه یافت (Pamuk , 2003: 95). وقتی مقاطعه‌دار آن را به نفع خود می‌دید، می‌توانست دوباره تا دوازده سال دیگر در اختیار بگیرد. از طرفی، اگر پیش از مدت تحویل، دولت برای آن مقاطعه با پیشنهادی به مبلغ بیشتر روبه‌رو می‌شد، التزام طرف را ابطال و وجه آن را قسط الیوم (برای مدت تصرف) محاسبه می‌کرد. همچنین ممکن بود شخصی چند مقاطعه را التزام کند و ضرر یکی را با سود دیگری جبران کند. حتی امکان داشت کسی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

فقط یک مقاطعه را التزام کند؛ این امکان هم وجود داشت که یک مقاطعه به صورت شراکتی به التزام گرفته شود. ملتزم متعهد می‌شد بخشی از بدل، یعنی وجه التزام را پیشاپیش بپردازد و برای باقیمانده ضامن معرفی کند. کسانی که نمی‌توانستند بدل التزام را بپردازند، اموالشان توقیف می‌شد. چنانچه دارایی آنها کمتر از بدل التزام بود، شخص را زندانی می‌کردند (احسان اغلو و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۷۹/۲–۷۸۰). در این نوع مقاطعه‌کاری، افراد متنفذ و پول‌دار به صورت مزایده با مأموران مالیات قرارداد می‌بستند. ابتدا سهم یا مبالغ قرارداد دولتی را نقد می‌پرداختند، سپس برای کسب منافع شخصی، به مبالغ مالیات دریافتی از رعیت می‌افزودند و آنچه می‌خواستند از اهالی آن ده، شهر یا استان می‌گرفتند (رفیق، ۱۳۳۴: ۳۴۲).

۳. روش مالکانه: در این شیوه املاک و مستغلات به صورت مادام‌العمر به افراد داده می‌شد. این روش درآمدی برای دولت مرکزی به همراه داشت، اما مقطّعان به‌تدریج به قدرت دست می‌یافتند و سرانجام مشکلاتی برای دولت مرکزی به وجود می‌آوردند. در قرون یازده تا سیزده قمری پاشاها و خاندان‌های حاکم در مناطق آناتولی، به عنوان مقاطعه‌دار دست به استقلال‌طلبی زدند، ولی با قهر و غضب از بین رفتند و پس از مرگ آنها املاک بار دیگر به حراج گذاشته شد (هامر پورگشتال، ۱۳۶۹: ۱۶۸۰/۲–۱۶۸۳؛ Sahillioglu,1963: 145-153).

اقسام مقاطعه

دولت عثمانی در قلمرو خود دارای مقاطعات متنوعی[۱] در آناتولی و روم‌ایلی بود. هر یک از این دو ناحیه دارای زیرمجموعه‌هایی بودند که زیر نظر دفترداران اداره می‌شدند. از انواع مقاطعات وابسته به دفترداران می‌توان از مقاطعهٔ موقوفات، واردات، تذکره‌نگاری، قلاع و تذکرهٔ احکام نام برد. هر یک از اینها در قلمرو خود به امور مقاطعه‌ها رسیدگی و برات (حکم واگذاری) و تذکرهٔ (یادداشت‌ها) مربوط به آنها را صادر می‌کردند. بدین ترتیب، به مرور زمان مقاطعاتی پدید آمد که هر یک به نام محل خود خوانده می‌شد. در بررسی‌های انجام شدهٔ مربوط به قرون ده و

۱ در کتاب *تاریخ پچوی* با تمام جزئیات به مقاطعات مختلف در آناتولی و روم‌ایلی و دیگر ولایات دولت عثمانی پرداخته شده است (پچوی، ۱۲۸۳: ۴۴۸/۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

یازده قمری در آرشیو عثمانی، از ۵۳۴ مقاطعه یاد شده است که حدود ۶۰٪ آنها مسلمان بودند. بقیه را یهودیان و مسیحیان تشکیل می‌دادند و تعداد مسیحیان کمتر از ۱۰٪ بود (Akdağ, 1975: 50). تنها با مراجعه به اسناد حرمین می‌توان دریافت که ۷۵۲ مقاطعهٔ آن مختص آغاهای دارالسعاده (خواجگان حرم‌سرا) بود، ولی با بهم خوردن شیوهٔ اداری این نوع مقاطعات، به نظام مالکانه (ملک شخصی همیشگی) تبدیل شد و فروش و التزام آنها به دفتردار واگذار گردید (جودت‌پاشا، ۱۳۰۹: ۳۴۰/۹-۳۴۱).

تحول مقاطعه در دولت عثمانی

در نظام مقاطعه همهٔ منابع و درآمد، اموال سلطنتی (خاص همایونی) محسوب می‌شد و سلطان می‌توانست بخشی از آن منابع را به صورت ملک به مالکیت خصوصی افراد درآورد، یا در راه مقاصد مذهبی وقف کند و یا موقتاً به صورت فیف (با توجه به وسعت ملک به عنوان مقاطعه، زعامت و خاص)[1] در مقابل انجام وظایف نظامی و اداری افراد -به‌جز کارگزارانی که مسئول تحصیل مالیات‌های این املاک بودند- به آنان واگذار کند (شاو، ۱۳۷۰: ۳/۲). البته با پایان فتوحات، به‌خصوص در سرزمین‌های عربی و افریقایی و اضمحلال سیستم تیمار و ظهور نظام مقاطعه در امپراتوری عثمانی، تغییرات اساسی در نظام مالی دولت به وجود آمد. اراضی خاص همایونی به شکل مزایده به بالاترین مبلغ -گاهی تا آخر عمر مقَطَّعان- به آنها واگذار می‌شد (Salzmann, 1993: 393-395). به عبارت دیگر، نوعی خصوصی‌سازی جمع‌آوری مالیات اتفاق افتاد که افراد و مقامات ثروتمند و مطلع وارد عرصهٔ مقاطعه‌کاری شدند. در نتیجه، کسانی که در بوروکراسی دولت عثمانی منزوی شده بودند، توانستند کسب قدرت کنند. این پدیده نه تنها به معنای از دست دادن کنترل دولت مرکزی نبود، بلکه کنترل منطقی و سیاسی مؤثر به حساب می‌آمد (Darling, 2006: 125). به این ترتیب، مقاطعه‌کاری روشی برای توسعهٔ ثروت در سراسر امپراتوری و انتقال آن به خزانهٔ مرکزی به شمار می‌آمد. در این فرایند، نخبگان

۱ زمین‌هایی که درآمد آن از بیست‌هزار آقچه تا صدهزار آقچه بود. «زعامت» و زمین‌هایی که درآمدش از صدهزار آقچه فراتر بود، «خاص» نامیده می‌شد (فریدبک، ۱۴۰۸: ۱۳۲؛ شوکت، ۱۳۲۵: ۱۰۲).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

یهودی، یونانی و ارمنی در مناطق مختلف امپراتوری عثمانی ظهور کردند و با طرز تفکر حاکمیتی مقاطعه را به دست گرفتند (Bernard, 1989: 123).

گروه دیگر سپاهیان بودند که در نظام مقاطعه با به خدمت گرفتن رعایا، جمع‌آوری مالیات را به شکل تحول یافته‌ای انجام می‌دادند (Baki, 2012: 289). در بیشتر مقاطعه‌کاری، مقاطعه‌های مالیاتی (التزام) را به مالکان (ملتزم) واگذار می‌کردند و در مقابل، آنان ملزم بودند سالیانه مبلغ ثابتی به خزانه پرداخت کنند. برای تشویق مقاطعه‌داران در اجرای بهتر وظایف محوّله، مبلغ باقیمانده به عنوان سود شخصی به خود آنان بازگردانده می‌شد (سلانیکی ۱۹۷۰: ۱۸۹). در ایالت‌هایی که به صورت مقاطعه اداره می‌شدند، بیشتر وظایف ایالت از جمله برقراری امنیت و أخذ مالیات‌ها برعهدهٔ سپاهیان مقاطعه‌دار بود (امامی خویی، ۱۳۹۵: ۱۷۵). حتی اگر ضرورت جنگ ایجاب می‌کرد که سپاهیان در میدان جنگ به سر برند، از میان آنها عده‌ای به نام «خرجلیق‌جی» به داخل کشور برمی‌گشتند و پس از جمع‌آوری مالیات و تأمین هزینه، دوباره به میادین نبرد برمی‌گشتند. آنها پس از مراجعت از میادین نبرد به زراعت و کارهای همیشگی خود مشغول می‌شدند (منجم‌باشی، ۱۲۸۵: ۴۰).

دیگر مقاطعه‌داران، امین‌های حقوق‌بگیر بودند که مالیات حاصل از درآمدهای ایالت‌های خود را به خزانه می‌پرداختند و جمع‌آوری مالیات به صورت مقاطعه به آنها واگذار می‌شد؛ زیرا بیشتر مالیات‌های غیرقانونی که در گذشته به منظور تأمین مالی به جیب مالکان و مقاطعه‌داران می‌رفت، در درون نظام رسمی مالیاتی ادغام شد. بنابراین مقصود از انجام این تغییرات، بیش از آنکه تخفیف بر رعایا باشد، تقویت توان مالی خزانه بود. برای نخستین بار به مدت یک قرن، ممیزی و ثبت منابع درآمد در شهرها و روستاها در مقیاسی گسترده صورت گرفت تا املاک و منابع ثبت نشده به صورت قانونی و به طور کامل مالیات‌بندی شوند (Raşit, 1867: 5/145-149).

صاحب‌منصبان نیز وارد عرصهٔ مقاطعه‌کاری شدند و برای کسب منافع شخصی به تحصیل مالیات‌ها پرداختند. این افراد در طول زمان اجرای مقاطعه‌کاری، دست به رانت‌خواری زدند و با کسب منافع شخصی، به ضرر دفتر مرکزی اقدام کردند. این

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

اشخاص عمدتاً تجار و بازرگانان بودند که مقررات جدید با منافع آنان سازگاری نداشت (شرف، ۱۳۱۲: ۳۴۳/۱). آنها منتظر روزی بودند که مأموران جدید به مناطق اعزام شوند تا به دلیل نداشتن روابط محلی و دانش کافی، در انجام وظایف محوله ناکام بمانند. به دنبال این ناکامی‌ها، درآمدهای ناشی از مقاطعه‌کاری کاهش یافت و در آخر خزانه مجبور شد اصلاحاتی در نظام مقاطعه‌داری مالیاتی اعمال کند. امتیاز تحصیل مالیات‌ها در برخی مقاطعه‌های خاص به مدت دو سال در مراکز ولایات و سنجاق‌ها به صورت مزایده به مقاطعه‌داران مالیاتی واگذار شد. آنها متعهد شدند بیشترین میزان وجوه را در ازاء مقاطعه به خزانه باز گردانند، اما این اقدام سبب شد دوباره مشکلات دیگری مطرح شود و مقاطعه‌داران مالیاتی با توسل به شیوه‌های قانونی و غیرقانونی، تا آنجا که توانستند کشاورزان را تحت فشار قرار دادند تا از این طریق میزان مورد مناقصه را تأمین کنند و پیش از انقضای دورهٔ مزایده، سهم خود را از منافع عاید شده به دست آورند (BVA, Buyuruldu, 1262: IV/40).

حکومت تلاش می‌کرد مقاطعه‌داران را از زمین‌های اعطایی سلب مالکیت کند و این املاک را در زمرهٔ زمین‌های دولتی قرار دهد و مالکان قبلی با دریافت مستمری مادام‌العمری، از کار بازنشسته شوند. این حرکت جدید به دلیل ناتوانی دولت در جایگزین کردن افراد مناسب که بتوانند کشت کنند و یا مالیات‌ها را تحصیل کنند، روندی تدریجی داشت، اما اقدامات تا پایان ۱۲۹۹ق. تکمیل و بر درآمدهای خزانه افزوده شد (Tosuner, 1989: 2).

از ایرادات مهم مقاطعه‌کاری این بود که برخی مالکان به مدت سی تا چهل سال صاحب ملک و مقاطعه می‌شدند و در درازمدت نواقص مقاطعه‌کاری و سوءاستفادهٔ مالکان آشکار می‌شد (رفیق، ۱۳۳۴: ۳۴۳). اراضی به سپاهیان واگذار می‌شد که در طول عمر خود بهره و محصول آن را می‌بردند، بدون آنکه مالیاتی به دیوان بدهند. رعایایی که باید خراج ارضیه و عشریه محصولی را به مالکان می‌پرداختند، گاهی از نصف هم می‌گذشت (هامر پورگشتال، ۱۳۶۹: ۱۳۳۸/۲). برای حل مشکل، تمام مالیات مزارع بزرگ را برای خزانهٔ نظامی متمرکز کردند. مالیات بر بازار را از سر گرفتند و به یک هزینهٔ اضافی دیگر صورتی قانونی بخشیدند که عبارت بود از

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

هزینهٔ جمع‌آوری مالیات که به مـأموران ممیـزی و اولیـای شـهر پرداخـت مـی‌شـد (Khoury, 2002: 130-131). با کسب چنین مجوزی به منظور تأمین وجـوه اضـافی هرچند اندک، مقَطَّعان تشویق می‌شدند بر أخاذی‌های غیرقانونی خود بیفزایند. البتـه نظام مقاطعه با همهٔ مشکلاتش به قوت خود باقی ماند؛ تا اینکه برقراری مالیـات در نظام مقاطعه منسوخ شد و تحصیل مالیات‌ها و تحویل آنها بـه مـأموران اعزامـی، از سوی خزانهٔ حکومتی به رهبران ملت واگذار شد (جی‌شاو، ۱۳۷۰: ۱۷۵/۲).

حکومت این تدبیر را با اجرای قانون جدید عملی کرد و با این تصـور کـه بتوانـد با وا داشتن مقطّعان به تجدید مقاطعه‌های خود در فواصل کوتاه، بـه‌طـور مـنظم بـر آنان نظارت کند، دورهٔ تصدی مقاطعه‌ها را بـه یـک یـا دو سـال کـاهش داد. بـرای جلوگیری از ایجاد مراکز قدرت محلی، مقاطعه‌ها به واحدهای روستایی تنزّل یافـت و مقاطعه‌داران از تملک مقاطعه‌ها در روستاها با سنجاق‌های مجاور محروم شـدند. البته نظام نوین همچون گذشته با ترفندهای جدید و مقاومت مقاطعه‌داران، نتوانست دستاورد بهتری داشته باشد. بـا کوتـاه شـدن دورهٔ مقاطعـه‌داری، مقطّعـان بـه منـافع بلندمدت خود دیگر توجهی نداشتند و در پی آن بودند که پیش از پایان دورهٔ اجاره، با أخذ مالیات بیشتر دارایی‌شان را افزایش دهند. آنها مقررات را نادیده می‌گرفتنـد و املاک خود را در سطح روستاها و سنجاق‌ها به مقاطعه واگذار می‌کردند. بدین‌سـان سلسله‌مراتبی از واسطه‌ها و دلالی به وجود آمد که به بهای از دست رفـتن خزانـه و نابودی کشاورزان تمام شد (BVA, Irade,; Meclis 1206 & 532).

مقاطعه‌داران و مأموران مستقر در نقاط حساس، به‌ویژه جاده‌ها مالیـات ویـژه‌ای دریافت می‌کردند. آنها برای عبور مسافران و بازرگانان، مبلغ اضافی می‌گرفتند. البتـه اتباع خارجی طبق قراردادهای کاپیتولاسیون، از پرداخت چنین مبالغی معـاف بودنـد (جی‌شاو، ۱۳۷۰: ۱۸۱/۲)، اما مقاطعه‌داران در قلمرو عثمانی با تجّار و اتبـاع بیگانـه بدرفتاری می‌کردند و بیشتر مواقع حقوق تجاری و اجتماعی آنها نادیده گرفته می‌شـد (*گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی*، ۱۳۷۰: ۴۷۱/۵-۴۷۲). بـا شـروع سـال ۱۲۵۶ق. سازمان جدید گمرک در اسـتانبول سـازماندهی شـد. وظیفـهٔ آن اجـاره دادن همـهٔ بنگاه‌های گمرکی مستقر در بنادر اصلی و مراکز تجاری به صورت مزایده برای سـه سال بود. چنین مقرراتی برای خزانه و مقاطعه‌داران مالیاتی چنان سودآور بود که این

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

تدبیر در مورد مالیات‌های غیرمستقیم کالاهایی چون مشروبات الکلی، توتون، انفیه و الوار نیز به کار گرفته شد و مالیات این کالاها تحت نظارت ادارهٔ گمرک قرار گرفت (BVA, Irade, i Vala 5378). البته مالیات بر واردات به دلیل مقاومت شدیدی که قدرت‌های برخوردار از حق کاپیتولاسیون در برابر افزایش مالیات‌ها از خود نشان می‌دادند، به شکل تصنعی پایین ماند. این وضع تا سال‌های نخست قرن چهاردهم ادامه یافت و در همین احوال بود که مالیات بر واردات تا ۱۵٪ یعنی متناسب با مالیات‌های مرسوم در مناطق افزایش پیدا کرد (جی‌شاو، ۱۳۷۰: ۱۸۶/۲).

از میان معاملات تجاری نام‌برده، پردرآمدترین آنها تهیه و فروش نمک بود. این امتیاز از دیرباز به صورت مقاطعهٔ مالیاتی و به صورت جداگانه برای هر معدن یا منبع واگذار می‌شد و مقاطعه‌داران نیز ادارهٔ امور را برعهده می‌گرفتند. در دورهٔ تنظیمات، این منابع تحت نظارت مستقیم دولت قرار گرفت (BVA, Irade, i Mahsus 1045). درآمدهای دیگری نیز از راه‌آهن و شرکت‌های خصوصی راه‌آهن که امپراتوری در آنها سهمی داشت، به دست می‌آمد. اصلاحات مالیاتی به منظور کسب درآمدهای جدید، ثروت خزانه را طی دهه‌ها پس از جنگ کریمه افزایش داد (BVA, Irade, I, Mahsus 1206).

خزانهٔ مقاطعات

افزایش چندبرابری هزینه‌ها سبب شد دولت با جست‌وجوی منابع جدید برای تأمین بودجه ویژهٔ عساکر منصوره، خزانهٔ مقاطعات را درون خزانهٔ عامره ایجاد کند که در رجب ۱۲۴۲ ق از خزانهٔ عامره مستقل شد. در سال ۱۲۵۰ ق نیز نام آن به خزانهٔ منصوره تغییر کرد. با گسترش فعالیت نظام مقاطعه، ضروری بود که خزانهٔ مخصوص مقاطعات به وجود آید؛ زیرا پس از تشکیل عساکر منصوره محمدیه، مصارف نظامی چند برابر شد. این امر ایجاب می‌کرد منابع جدید درآمد ایجاد شود (Akyildiz, 1996: 142). برای تأمین و ترمیم خزانهٔ جدید، دولت عثمانی از ولایت‌های مختلف درخواست کمک کرد. فریدون‌بک در *منشآت السلاطین* از کم و کیف ارسال اموال، گزارش‌های مفصلی داده است؛ از آن جمله ارسال اموال ولایت مصر به خزانهٔ عامره که به درخواست دولت مرکزی انجام شده بود (فریدون‌بک،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

۱۲۷۴: ۲۰۶-۲۰۷). علاوه بر این، برای تقویت هرچه بیشتر خزانه، میزان جزیه را بالا برد و عواید مقاطعه‌هایی را که ضرابخانه اداره می‌کرد، افزایش داد؛ از جمله مقاطعهٔ معادن طلا و نقره و عوارض فروش توتون و مالیات‌های دیگر در بعضی نواحی؛ مقاطعه خواص که حاوی املاک اختصاصی سلاطین و وزرا و امرا و گمرک و دخانیات و پشم بعضی از نواحی بود؛ مقاطعات اصلی که شامل مالیات و عوارض و عواید گمرکی بندرهای دریای سیاه بود؛ مقاطعه در سعادت و بورسه و آولونیا و کِفِه؛ أخذ مالیات اغنام؛ أخذ جریمهٔ شرب مسکرات؛ مالیات ابنیهٔ خاصه؛ انبار و دریا (وفیق‌بک، ۱۳۲۸: ۲۱۰/۱). همچنین درآمد املاک همایون، عواید «قاپوخرجی» و «بقچه بها»[۱] به این امر اختصاص یافت. ساماندهی به امور خزانهٔ مقاطعات، به خزانهٔ عامره واگذار شد. در ادامه، منابع درآمد دیگری نیز به آن اضافه شد که عبارت بود از: عوارض ترتیب اغنام؛ رسم احتساب؛ رسم میری؛ تمغا؛[۲] تخمیس؛ قنطاریه‌ها؛[۳] و رخصتیه که عوارض جدیدی بر صدور کالاهایی بود که تا آن زمان صادرات آنها ممنوع بود. برای برخی از کالاها نیز انحصاری با عنوان «ید واحده» برقرار شد. سود حاصل از خرید و فروش این کالاهای انحصاری و درآمد بازرسی تریاک، به این خزانه اختصاص داده شد (kütükoğlu, 1974: 502-503). ابتدا درآمد و هزینه‌ها زیر نظر مرجع واحدی اداره می‌شد، اما از سال ۱۲۴۵ق/۱۸۲۹م. ضبط و ربط درآمدها به نظارت ادارهٔ مقاطعات واگذار و برای نظارت بر مخارج، «مصارفات» تأسیس شد. در سال ۱۲۵۰ق. خزانهٔ مقاطعات به خزانهٔ منصوره تغییر نام داد (احسان اغلو و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۶۲/۲-۷۶۴).

---

۱ قاپوخرجی» (خرجی درگاه) و «بقچه بها» اصطلاحی برای وجوهی بود که حاکمان و والیان در برابر منصوب شدن به یک سنجاق یا ایالت و یا ابقا در آنها برای صدراعظم یا بعضی دیگر از دولتمردان می‌فرستادند (احسان اغلو و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۶۲/۲-۷۶۴).

۲ تَمغا واژه‌ای ترکی- مغولی به معنای داغ، مُهر، نشان و نیز بر پایهٔ *الدستور* (قانون نامهٔ عثمانی که در سال ۱۲۵۵ق. تدوین یافته است) به یک نوع مالیات در حکومت عثمانی گفته می‌شد. همهٔ اسناد و اوراق بهادار به استثنای عریضه‌ها و گزارش‌ها و تذکره‌ها، با تمغاهایی به نام «طغرای همایونی» مهر می‌شد. سپس عریضه‌ها و گزارش‌ها و تذکره‌ها را با تمغای سرد مربوط به همان اسناد مهر می‌کردند و پس از آن تمغای وزارتخانه‌ها را بر این اسناد می نهادند (*الدستور*، ۱۳۰۱: ۸۵/۲).

۳ قنطار: به مال فراوانی که بر روی هم انباشته شده باشد، گفته می‌شود. همچنین مشک گاو پر از طلا یا نقره است (شوکت، ۱۳۲۵: ۵۷۸).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

درآمد مقاطعه‌های مالکانه که بهرهٔ سالیانهٔ آنها از ده کیسه بالاتر می‌رفت، پس از لغو واگذاری وارد خزانهٔ جدید می‌شد، اما برای اینکه سایر خزانه‌های محروم از تمامی درآمدها، دچار ضعف مالی نشوند، تنها بهره‌های آنها به این خزانه واگذار شد و سایر درآمدهای حاصل از آنها مانند «معجّله» (قیمت) و «قلمیه» (حق تحریر اسناد) به خزانهٔ جدید واریز می‌شد. به قصد تأمین امکان پرداخت «معجّله»، مقاطعه‌های انتقالی از خزانهٔ عامره و ضرابخانه به این خزانه، گردآوری عوارض و در رأس آنها عوارض زجریه (مالیات بر تولید و فروش مشروبات الکلی) به خزانهٔ جدید واگذار شده بود. البته خزانهٔ جدید چندان نپایید و با شروع شورش‌ها که به عزل و قتل سلطان سلیم سوم (۱۲۰۳-۱۲۰۴ق) انجامید، نهادهایی که او بنیان نهاده بود نیز منحل شد (اینالجق، ۱۳۸۸: ۳۳۴).

سرانجام پس از آنکه سلطان محمود ثانی (حک: ۱۲۲۳-۱۲۵۵ق) بساط ینی‌چری‌ها را برچید و اصول تیمار (تیول‌داری) را برانداخت، دو اداره برای رسیدگی به حساب‌های نظامیان و اقطاعات تشکیل شد. به موجب فرمان ۳ ذی‌حجه ۱۲۵۳، دفترخانه‌ها در هم ادغام شدند و اصطلاح دفترداری از استعمال خارج شد. در جمادی‌الاولی ۱۲۵۵ اصطلاح «دفترداری» جای خود را به «خزینه مقاطعات» و «خزینه عامره» داد. در رجب همان سال عنوان «دفتردار خزینه مقاطعات» به «ناظر مالیه» (وزیر مالیه) تغییر کرد، اما عنوان «دفتردار خزینه عامره» همچنان حفظ شد. دو سال بعد عنوان «نظارت امور مالیه خزینه» (وزارت مالیه) از ادغام وظایف دو عنوان سابق به وجود آمد و وظایف آن با تغییراتی تا پایان عصر عثمانی باقی بود (وفیق‌بک، ۱۳۲۸: ۲۸۸/۱).

مقاطعه و کشاورزان

حاکمان، اراضی موجود در قلمرو عثمانی را از آن خود می‌دانستند و آن را به واحدهایی به نام «چفتلک»[۱] جدا و بین خانواده‌های روستایی توزیع می‌کردند و به نام مالک به ثبت می‌رساندند (BVA, Irade– i Mahsus 1045). زمین‌هایی نیز

۱ واژه‌ای معمول برای زمینِ مزروعی در زبان ترکی است، اما در عهد عثمانی این واژه ابتدا بر واحد معینی از زمین کشاورزی در نظامِ زمین‌داری و بعدها بر املاک بزرگ اطلاق می‌شد (اینالجق، ۱۳۸۸: ۱۷۴).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

وجود داشت که طبق اصول مقاطعه به داوطلبان اجاره می‌دادند. این اشخاص در برابر حق‌الاجارهٔ سالانه، حق تصرف قطعه زمین در روستا یا معدن در شهر را به دست می‌آوردند و فعالیت می‌کردند. گاهی نیز اراضی مقاطعه به‌طور کامل به صورت زمین تصرفی ثبت‌شدهٔ اجاره کننده درمی‌آمد (احسان اغلو و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۹۹/۲).

برای افزایش درآمدهای ناشی از مقاطعه‌ها، فرمانی صادر شد که دورهٔ تصدی این مقاطعه‌ها به یکباره برای پنج سال تجدید شد؛ بدین امید که مقطُعان تشویق شوند تا منافع بلندمدت زمین‌های تحت نظارت خود را مورد توجه قرار دهند و با اجتناب از مالیات‌بندی‌های غیرعادی و سنگین، کشاورزان را بر روی زمین‌ها حفظ کنند و نرخ مشخصی را در مورد محصولات کشاورزی تثبیت کنند. در ازای برخورداری از مقاطعه‌های بلندمدت که معمولاً بدون مزایده واگذار می‌شد، مقاطعه‌داران به‌ناچار می‌بایست با مفادی که حمایت از کشاورزان را تصریح می‌کرد، موافقت کنند. آنان ناگزیر بودند وجوه مورد نیاز کشاورزان را با همان بهرهٔ اسمی در اختیارشان قرار دهند تا آنان بتوانند بی‌آنکه در چنگ رباخواران گرفتار شوند، وسایل، احشام و بذر مورد نیاز خود را فراهم کنند (جی‌شاو، ۱۳۷۰: ۱۷۳/۲). مقطُعان نمی‌توانستند کشاورزان را مجبور کنند پیش از برداشت محصول مالیات‌های خود را بپردازند. همچنین موظف بودند محصولاتی را که کشاورزان به عنوان مالیات به دولت می‌دادند، به نرخ جاری بازارهای همان محل ارزیابی کنند. در مقابل، مقطعان در دهات در جمع‌آوری مالیات و حفظ امنیت محل و سرکوبی راهزنان نظارت می‌کردند تا کشاورزان زمین بیشتری را زیر کشت ببرند و از محل خود مهاجرت نکنند و از تعداد آنها کاسته نشود (پاکپور، ۱۳۹۶: ۸۱؛ ایتسکویتس، ۱۳۷۷: ۷۶-۸۰).

به منظور بهبود کشاورزی، در دورهٔ تنظیمات نیز کشاورزان مجاز به گسترش مناطق تولید خود و افزایش تولید محصولات با ارزش افزوده بودند. معافیت مالیاتی موقت به این محصولات اعطا شد و آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی بود که زمینهٔ تنظیمات تولید آنها را فراهم کرد و انحصارات دولتی را از بین برد (Güran,1992: 224).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

گفتنی است این تغییر و تحولات در راستای منافع مقطعان بود و گاهی وزیران نیز با کنار گذاشتن قوانین دولتی باعث می‌شدند دوباره مشکلات دیگری مطرح شود. مقاطعه‌داران با توسل به شیوه‌های قانونی و غیرقانونی، تا می‌توانستند کشاورزان را تحت فشار قرار می‌دادند تا میزان مورد مناقصه را تأمین کنند و به منافع خود برسند. این روند موجب تنگدستی و پریشانی رعیت و انواع ظلم به اقشار فرودست جامعه می‌شد. در نتیجه، نارضایتی روستاییان را به دنبال داشت که پیامد آن ویرانی آبادی‌ها و رها کردن زمین توسط روستاییان بود. شهرها مملو از جمعیت شد و شهرهای کوچک و روستاها به صورت انبار باروتی درآمدند که تنها جرقه‌ای کافی بود تا آنها را شعله‌ور کند (رفیق، ۱۳۳۴: ۳۴۱؛ جی‌شاو، ۱۳۷۰: ۳۹۳/۱). برای اصلاح امور، محمود دوم در ۱۷ جمادی‌الاول ۱۲۵۴ دستور داد ارزیابی‌های جدیدی از دارایی‌های مردم سراسر امپراتوری به عمل آید و وضع مالیات‌های جدید مطابق با توانایی‌های افراد اعمال شود. البته ارزیابی‌ها فقط در نواحی بورسه و گالیپولی انجام شده بود که سلطان درگذشت و اصلاحات تا سال‌های تنظیمات به تعویق افتاد. در این زمان نظام مالیاتی بنا بر مصوبهٔ مجلس در ۱۲ ذی‌الحجه ۱۳۵۵ ق. منسوخ شد و سازمان جدید مالیاتی اغنام و عشریه‌ها در وزارت امور مالی تشکیل گردید تا مالیات‌های مستقیم را تدوین کند. حتی در همین برهه با مخالفت مالکان و مقاطعه‌داران، أخذ مالیات‌ها به تعویق افتاد. سرانجام در سال ۱۳۵۸ق. مالیات‌های غیرمستقیم منسوخ شد (جی‌شاو، همان، ۱۷۲/۲–۱۸۷). بدین ترتیب، تشکیل و تداوم نظام مقاطعه‌داری در عثمانی نه تنها بر مبنای فعالیت‌های سیاسی و نیازهای اداری و اقتصادی حکومت مرکزی شکل گرفت، بلکه مطابق با گسترش ارضی و تحولات اداری و سیاسی بازسازی شد. کارگزاران چنین سیستمی کنشگرانی از لایه‌های مختلف جامعه، اعم از صاحب‌منصبان سیاسی، فرماندهان نظامی تا سپاهیان ساده، کشاورزان، کارمندان گمرک و غیره بودند که در بخش‌های مختلف مقاطعه‌داری نقش ایفا می‌کردند. بر همین اساس، تداوم و پایداری نظام سیاسی تا اندازهٔ زیادی وابسته به فعالیت و موفقیت مقاطعه‌داران بود و ضعف و سستی یا عدم موفقیت نظام مقاطعه‌داری نقش بسزایی در نارضایتی مردم در مناطق مختلف و ناپایداری حکومت عثمانی، به‌ویژه در اوایل قرن بیستم داشت (رئیس‌نیا، ۱۳۷۴: ۱۵۷/۳–۱۵۸).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

نتیجه‌گیری

امپراتوری عثمانی به عنوان یک نظام سیاسی و نظامی در جهان شناخته می‌شود، ولی اطلاعات زیادی از نظام مالی عثمانی به‌ویژه به زبان فارسی وجود ندارد. همان‌گونه که می‌دانیم این امپراتوری بارها با مشکلات مالی و کمبود پول نقد مواجه شده بود که عمدتاً ناشی از جنگ بود. برای برطرف کردن این مشکلات، نظام مقاطعه را ایجاد کردند و با جمع‌آوری مالیات و دریافت پول از مقطّعان توانستند به نظام مالی سر و سامان دهند. بدین ترتیب، اگرچه اقتدار و تدوام امپراتوری عثمانی بیشتر جلوهٔ سپاهیگری و تحرکات نظامی داشت، ولی اساس قدرت و شکوه حکومت عثمانی را باید در نظام مالی، به‌ویژه سیستم مقاطعه مورد توجه قرار داد. البته زمانی که بیشتر ایالت‌ها و سنجاق‌ها در قالب مقاطعه‌های مالیاتی به مقام‌های بالای این ولایات داده شد و سنجاق‌ها به بالاترین قیمت‌ها واگذار شد و آنان ملزم شدند سهم قابل ملاحظه‌ای از درآمدهای پیش‌بینی شده را به خزانه بپردازند، تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی سبب شد کارگزاران مالیاتی با جمع‌آوری مالیات به شیوه‌های نادرست، صدور برات‌ها و دریافت‌های فوق‌العاده و چندین‌بارهٔ آنها و همچنین وصول مکرر و ظالمانه، عواقب ناخوشایندی را برای امپراتوری عثمانی رقم بزنند. این رفتار نامتعارف زمینه را برای ترک مایملک روستاییان و گروه‌های مولد ارزاق عمومی فراهم کرد که در نتیجه، گروه‌های زیادی از مناطق روستایی و کشاورزی مهاجرت کردند و به شهرها سرازیر شدند. این رخداد علاوه بر آنکه معضلات اجتماعی شهرها را افزایش داد، بلکه تجار و بازرگانان نیز در برابر تزاید مالیات تضعیف شدند. سرانجام در دوره متأخر، نظام مقاطعه چنان رو به ضعف گذاشت که نقش مؤثری در افول و فروپاشی امپراتور داشت و با جایگزینی نظام جدید، به کلی ملغی شد.

منابع و مآخذ

– *قرآن مجید*

– احسان اغلو، اکمل‌الدین و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶)، *دولت و جامعه در دولت عثمانی*، ترجمه زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج۲، تهران: کتاب مرجع.

– *الدستور؛ ترجمة من اللغة التركية الى العربية* (۱۳۰۱)، ترجمهٔ نوفل افندی نعمة اللّه نوفل، به کوشش خلیل افندی خوری، ج۲، بیروت: [بی‌نا].

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

- امامی خویی، محمدتقی (۱۳۹۵)، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، تهران: سمت.
- اوزون چارشیلی، اسماعیل حقی (۱۳۷۷)، *تاریخ عثمانی*، ترجمهٔ ایرج نوبخت، ج۵، تهران: کیهان.
- ایتسکویتس، نورمن (۱۳۷۷)، *امپراتوری عثمانی و سنت اسلامی*، ترجمهٔ احمد توکلی، تهران: نشر پیکان.
- اینالجق، خلیل (۱۳۸۸)، *امپراتوری عثمانی در عصر مقدم ۱۳۰۰-۱۶۰۰*، ترجمهٔ کیومرث قرقلو، تهران: بصیرت.
- ..... (۲۰۰۲) *تاریخ الدولة العثمانیة من النشوء الی الانحدار*، ترجمهٔ محمد م. ارناؤوط، بیروت: [بی‌نا].
- پاکپور، سبحان (۱۳۹۶)، *تاریخ عثمانی*، قم: انتشارات مؤسسه اسلامی.
- پچوی، ابراهیم (۱۲۸۳)، *تاریخ پچوی*، ج۱، استانبول: مطبعة عامره.
- جودت‌پاشا، احمد (۱۳۰۹)، *تاریخ جودت*، ج۹، استانبول: مطبعة عثمانیه.
- جی‌شاو، استانفورد (۱۳۷۰)، *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیهٔ جدید*، ترجمهٔ محمود رمضان‌زاده، ج۱، ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۴)، *ایران و عثمانی در آستانهٔ قرن بیستم*، ج۳، تبریز: انتشارات ستوده.
- رفیق، محمد (۱۳۳۴)، *تاریخ عثمانی انجمنی مجموعه سی*، [بی‌جا]: هلال مطبعه سی.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۲)، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمهٔ علی جواهرکلام، ج۱، تهران: امیرکبیر.
- سلانیکی، مصطفی (۱۹۷۰)، *تاریخ سلانیکی*، فریبورک.
- شرف، عبدالرحمن (۱۳۱۲)، *تاریخ دولت عثمانیه*، ج۱، استانبول: قره بت مطبعه سی.
- شوکت، محمودپاشا (۱۳۲۵)، *عثمانلی تشکیلات و قیافت عسکریه سی*، [بی‌جا]: مطبعة مکتب حربیه.
- صولاق‌زاده، محمد همدمی چلبی (۱۲۹۷)، *تاریخ صولاق‌زاده*، استانبول: محمودبک مطبعه‌سی.
- طاشکوپری‌زاده، احمدبن مصطفی (۱۳۹۵ق)، *الشقایق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة*، بیروت: دار الکتب العربی.
- عاشق پاشازاده، احمد (۱۳۳۲)، *تواریخ آل عثمان*، استانبول: مطبعة عامره.
- فریدبک، محمد (۱۴۰۸ق)، *تاریخ الدولة العلیة العثمانیة*، ترجمهٔ احسان حقی، بیروت: [بی‌نا].
- ..... (۱۲۷۴)، *منشآت السلاطین*، استانبول: مطبعة عامره.
- *گزیدهٔ اسناد سیاسی ایران و عثمانی* (۱۳۷۰)، ج۵، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- منجم‌باشی، (احمدبن لطف‌الله) (۱۲۸۵)، *صحایف الاخبار فی وقایع الاعصار*، استانبول: مطبعة عامره.
- نشاط، محمود (۱۳۶۸)، *شمار و مقدار در زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- وفیق‌بک، عبدالرحمن (۱۳۲۸ق)، *تکالیف قواعدی*، ج۱، استانبول: مطبعة قدر.
- هامر پورگشتال، یوزف فون (۱۳۶۹)، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمهٔ میرزا زکی علی‌آبادی، به اهتمام جمشید کیان‌فر، ج۲، تهران: زرین.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

منابع لاتین:

- Akdağ , Mustafa (1975), *Türk Halkının Dirlik Ve Düzenlik Kavgası*, Ankara.
- Akyildiz, Ali (1996), Osmanlı, Bürokrasisi *ve* Modernleşme, Istanbul.
- Barkan ,Ömer Lütfi (1943), XV ve XVI, *Asýrlarda Osmanlý Ýmparatorluðunda Zirai Ekonominin, Hukuki ve Mali Esaslarý,Kanunlar*, Istanbul.
- Baki, Tezcan (2012), *The Second Ottoman Empire:Political and Social Transformation in the Early Modern World*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Bernard, Lewis (1989), "Ottoman Land Tenure and Taxation in Syria", Studia Islamic.
- *BVA,Buyuruldu IV,40* (Cemazi I,1262).
- *BVA, Irade, Meclis – i Vala 5378*.
- *BVA, Irade,Meclis Vala 9828, 13897; Meclis-I Mahsus 532*.
- *BVA, Irade, Meclis – I Mahsus 1206* .
- *BVA, Irade, Meclis – i Mahsus 1045*.
- Darling, Linda T (2006), "Public finances: the role of the Ottoman centre", *The Cambridge History of Turkey*,1603-1839 .
- Gençe, Mehmet (1985), "Osmanlı Devletinde ic Gümrük Rejimi", *Tanzimut ian Cumhuriver'e Tir hive Ansiklopedisi.*
- …….. (2006), "MUKĀTAA", *Osmanlı maliyesinde vergi gelir birimini ifade eden bir terim, Bu madde TDV İslâm Ansiklopedisi'nin,* yılında İstanbul'da basılan 31, cildinde.
- Güran, Tevfik (1992), "Zirai Politika ve Ziraatte Gelişmeler 1839-1876",*150. Yılında Tanzimat*, Ankara.
- Khoury, Dina Rizk (2002), *State and Provincial Society in the Ottoman Empire: Mosul 1540–1834*, Cambridge.
- Kütükoğlu, Mübahat (1974), "Tanzimat Devri Osmanlı; İngiliz Gümrük Tarifeleri", *Tarih Enstitüsü Dergisi*, sayi 4-5, Istanbul.
- Onar, Sıddık Sami (1962), *İdare Hukukumuzun Umumi Esasları*, İstanbul.
- Ortayli, İlber (1979), *Turkiye İdare Tarihi,* Ankara.
- Pakalın, mehmet zeki (1971), *osmanlı tarih deyimleri ve terimleri sözlüğü, milli*

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

eğitim basımevi, İstanbul.
- Pamuk, Şevket (2003), *Osmanlı İmparatorluğu'nda Paranın Tarihi,* Istanbul .
- Raşit, Mehmet (1867), *Raşit Tarihi,* Vol.5, Istanbul.
- Sahillioğlu, Halil (1963), "Bir Mültezim Zimem Defterine Göre XV. Yüzuil Sonunda Osmanli Darphane Mukataalari", IFM, XXIII/1-2.
- Salzmann, Ariel (1993), "An Ancien Regime Revisited: "Privatization" and Political Economy in the Eighteenth-Century Ottoman Empire", *Politics and Society 21, no.4* .
- Tabakoğlu, Ahmet (1985), *Gerileme Dönemine Girerken Osmanlı Maliyesi*, Istanbul.
- Tosuner, Mehmet (1989), *Sonrası Türk Vergi Sisteminin Yapısı ve Gelişimi, Bayraklı Matbaacılık*, İzmir.

List of sources with English handwriting

- The Holy Quran
- Ashegh Pashazadeh, Ahmad (1332), *Tavarikh Al-Uthman*, Istanbul: Amra Press.
- Düstur; Tr. from Turkish to Arabic (1301) by Nawfal Effendi & Khalil Effendi Khouri (ED.), vol. 2, Beirut: [Anonymous].
- Ehsan Oghloo, Akmal al-Din & et al. (1396), the state and society of the Ottoman State, Tr. under the supervision of Gholam Ali Haddad Adel, vol. 2, Tehran: Reference book.
- Emami Khoei, Mohammad Taghi (2016), *History of the Ottoman Empire*, Tehran: Samat.
- Faridbek, Mohammad (1408 AH), History of the High Ottoman State, Tr. by Ehsan Haqi, Beirut: [Anonymous].
- Fereydoun Beck, Ahmad (1991), Selected Iranian and Ottoman Political Documents, Vol. 5, Tehran: Office of Political and International Studies.
- ---------- (1274), Menshat al-salatin, Istanbul: Ameri Press.
- Güran, Tevfik (1992), "Zirai Politika ve Ziraatte Gelişmeler 1839-1876", *150. Yılında Tanzimat*, Ankara.
- Hammer-Purgstall, Joseph von (1369), *History of the Ottoman Empire*, Tr. by

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

Mirza Zaki Aliabadi & Jamshid Kianfar (ED.), Vol. 2, Tehran: Zarrin.
- Inalcık, Halil (2009), *the Ottoman Empire in the Early Ages 1300-1600*, Tr. by Kiomars Gharghloo, Tehran: Basirat.
- ---------- (2002), *History of the Ottoman State from the Start to the End*, Tr. by Mohammad M. Arnaout, Beirut: [Anonymous].
- Itzkowitz, Norman (1998), *the Ottoman Empire and the Islamic Tradition*, Tr. by Ahmad Tavakoli, Tehran: Peykan Publications.
- Judet Pasha, Ahmad (1309), *History of Judet*, vol. 9, Istanbul: Ottoman Press
- Monajembashi, (Ahmad Ibn Lutfullah) (1285), *Sahaif al-Akhbar fi Waqi'at al-Asar*, Istanbul: Amira Press.
- Neshat, Mahmoud (1989*), Number and Amount in Farsi*, Tehran: Amirkabir.
- Ozon Charshili, Ismail Haghi (1998), *Ottoman History*, Tr. by Iraj Nobakht, vol. 5, Tehran: Kayhan.
- Pakpour, Sobhan (1396), *Ottoman History*, Qom: Islamic Institute Publications.
- Peçevi, Ibrahim (1283), *History of Peçevi*, vol. 1, Istanbul: Amira Press.
- Rafiq, Mohammad (1334), *Association History of Ottoman*, [N.P.]: Hilal Press.
- Raisinia, Rahim (1374), *Iran and the Ottoman Empire on the Verge of the Twentieth century*, Vol. 3, Tabriz: Sotoudeh Publications.
- Selaniki, Mustafa (1970), *History of Selaniki*, Friburk.
- Stanford, Jay Shaw (1370), *History of the Ottoman Empire and modern Turkey*, Tr. by Mahmud Ramezanzadeh, vol. 1, 2, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Shaukat, Mahmud Pasha (1325), *Ottoman Organization and appearance of the Army*, [N.P.]: Maktab Haribeh Press.
- Solaqzadeh, Mohammad Hamdami Chalabi (1297), *History of Solaqzadeh*, Istanbul: Mahmudbek Press.
- Sharaf, Abd al-Rahman (1312*), History of the Ottoman State*, vol. 1, Istanbul: Qarabat Press.
- Tabakoğlu, Ahmet (1985), *Gerileme Dönemine Girerken Osmanlı Maliyesi*, Istanbul.
- Waqibbek, Abd al-Rahman (1328 BC), *Taklif Qawaedi*, Vol. 1, Istanbul: Qadr Press.
- Zaydan, Jurji (2003), *History of Islamic Civilization*, Tr. by Ali Javaherkalam,

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]

vol.1, Tehran: Amirkabir.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.6.3]